

گستره شبکه روابط اجتماعی زنان شهری و تأثیر تحصیلات دانشگاهی و اشتغال بر آن

* سهیلا علیرضانژاد

دانشگاه آزاد اسلامی

** حسن سرایی

دانشگاه علامه طباطبایی

چکیده

در این تحقیق پرسش آغازین عبارت است از: محتوای روابط اجتماعی زن ایرانی در خلال زندگی روزمره چیست؟ نکته مهم در این زمینه شناخت عناصر مدرن به نسبت عناصر سنتی در این مجموعه روابط است. برای پاسخگویی به این پرسش، متد ترکیبی با تسلط روش «کمی - پیمایش» طراحی شد. در روش شناسی این پژوهش یک بخش غیرمسلط کیفی و نیز یک بخش تاریخی برای روشنتر شدن فضای پیمایش اجرا شد. مطابق چارچوب نظری حاکم بر پژوهش، پیش‌بینی می‌شد که مجموعه عناصر موجود در شبکه روابط اجتماعی زنان، با توجه به میزان دسترسی آنان به عناصر مدرن (دو متغیر میزان دسترسی زنان ایرانی به دو عنصر تحصیلات دانشگاهی و اشتغال)، ترکیبی از عناصر سنتی و مدرن باشد. اما میزان تسلط عناصر مدرن یا سنتی، با توجه به زمینه اجتماعی موجود و نیز نقش آفرینی عناصر یاد شده، قابل شناسایی است. انجام مطالعه حاکی از آن است که ترکیبی از عناصر مدرن و سنتی قابل مشاهده است؛ اما به نظر می‌رسد عناصر سنتی کماکان در این ترکیب عناصر مسلط و تعیین‌کننده‌اند. مهمترین رابطه زنان شهری ایرانی حول محور روابط خانوادگی آنان شکل گرفته است. مهمترین عناصر موجود عبارتند از: روابط خویشاوندی و نیز روابط نقشی که عناصر مدرن را در شبکه روابط اجتماعی زنان شهری نمایندگی می‌کند.

کلیدواژه‌ها: روابط اجتماعی زنان شهری، روابط نقشی، روابط خویشاوندی، تحصیلات دانشگاهی، اشتغال.

The Extent of Social Relationships of Iranian Urban Women and the Effect of Higher Education and Employment

Soheila Alirezanejad, Ph.D.

Assistant Professor, Department of Sociology

Faculty of Letters and Human Sciences Islamic Azad University (Garmsar Branch)

Hasan Saraie, Ph.D.

Professor, Department of Sociology

Faculty of Social Sciences, Alameh Tabatabaiee University

Abstract

The main question of this research is "what is the content of social relationships of Iranian urban women?" To find an answer the modern and traditional factors which have formed the women's social relations should be accounted for. Then a mixed research method has been designed for the study. This method includes a main section of quantitative-survey and an undominant section of qualitative and historical research to support the quantitative-survey section. Theoretically according to Robertson's view of Glocalization, it has been predicted that all the elements of social relationships network could be recognized by paying attention to the rate of women's access to modern factors and traditional factors (regarding the historical background of women there are two main factors of academic education and employment that impress the Iranian Urban women's situation). It has been seen that there is a mixture of traditional and modern factors. There were two main types of family and role relationships that represent Iranian Urban women's social relationships. There are some meaningful differences between the extent and content of social relationships of women in different groups of educated and employed women, educated and unemployed women, uneducated and employed and unemployed and uneducated women.

Keywords: social relationships, educated women, employed women, Family relationships, role relationships.

* دکترای جامعه‌شناسی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
** دکترای جامعه‌شناسی از دانشگاه شیکاگو، استاد گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

مقدمه

انسان‌ها در جهان امروز با وضعیت دوگانه‌ای روبه‌رو هستند. پدیده جهانی شدن سهم ویژه‌ای در این باره ایفا می‌کند، اما به نظر می‌رسد در این میان چالش دیگری نیز وجود داشته باشد که سازنده وضعیت دوگانه افراد جوامع انسانی در دنیای امروز است. پیوندهای فرد در منطقه خاصی که در آن زندگی می‌کند، سازنده این وضعیت دوگانه است. به عبارت دیگر، با وجود عوامل جهانی، عناصر بومی نیز وی را به سوی خود می‌خواند. رابرتسون این فرایند خاص را «جهانی - بومی¹ شدن» نامیده، در این باره می‌گوید: «جهانی - بومی شدن به معنای حضور هم زمان پتانسیل‌های جهانی و بومی است» (Webstucky 2002: 2). وی همچنین می‌گوید در فرایند جهانی - بومی شدن، خواسته‌ها، مشارکت و شکوفایی افراد و اجتماعات محلی²، در بستر روابط بین‌المللی به ظهور می‌رسد. به زعم وی در دنیای امروز کسی نیست که تحت تأثیر اتفاقات، اندیشه و محصولات که در مناطقی بیرون از منطقه بلافصلی که در آن زندگی می‌کند، قرار نگیرد. بر این اساس، رابرتسون به نکته مهم اشاره می‌کند این که در جهان امروز، به‌طور روز افزونی با شهروندانی با «ملیت دوگانه»، روبه‌رو هستیم. به عبارت دیگر ما همیشه در یک اجتماع محلی زندگی می‌کنیم که با زبان، روابط، سنت‌ها و ارزش‌های ویژه خود مشخص می‌شود؛ اما زندگی در یک جامعه جهانی، اغلب با زبان و ارزش‌های متفاوتی همراه است. به زعم رابرتسون: «جهانی شدن فرایندی است که از طریق آن، محصولات، تکنولوژی‌ها و اندیشه‌ها از بیرون می‌آید و پس [از باز تولید در داخل مجدداً و] به سرعت در کل جهان گسترش می‌یابد». او اضافه می‌کند: جهانی - بومی شدن، در اجتماع محلی شروع و سپس در جهان بیرون منتشر می‌شود. به این ترتیب نکته مهم آن است که افراد در برخورد با مسایل جهانی و آموزه‌های جدید، مانند زبان، همواره در هنگام استفاده از زبان محلی و در عین توجه به آموخته‌های نو، به حفظ ویژگی‌های محلی توجه بسیاری دارند (همان).

رابرتسون بر این پاور است که در این فرایند، فرد به‌طور فزاینده‌ای از تعلق به بخشی از یک اجتماع محلی³ در یک جامعه سنتی، به‌مثابه شهروندی از یک جامعه ملی باز تعریف می‌شود. به این لحاظ هر فرد، کسی است که با دیگر شهروندان ملی قابل مقایسه است و حتی می‌تواند به‌مثابه یک «شهروند جهانی» باز تعریف شود. از این‌رو فرد با عرصه جدیدی

1 - glocalisation

2 - local communities

3 - community

روبه‌رو است که گسترده‌تر از عرصه وی در جامعه سنتی است و به دلیل تعامل با این عرصه نو به نحو گریزناپذیری تغییراتی در وی رخ می‌دهد؛ به گونه‌ای که هر فرد برابر با دیگر شهروندان شده و عواملی مثل نژاد، موقعیت خانوادگی و طبقاتی و نیز جنسیت وزن و اهمیت قبلی خود را در تعریف موقعیت فرد از دست می‌دهد. شاید از این دیدگاه رابرتسون، همانند گیدنز، بر این باور است که شرایط موجود شرایطی برابر‌ساز است. بر این اساس، اگر بخواهیم از منظر جنسیتی بنگریم وقتی که این شرایط در جامعه محقق شود، می‌توان انتظار داشت که زنان به عرصه‌هایی وارد شوند که پیش از آن، امکان حضور در آن را نداشتند. یعنی به‌مثابه یک شهروند، حق دسترسی به منابعی را دارند که پیش از این نداشته‌اند. به این ترتیب رابرتسون یادآور می‌شود که تعامل با امر جهانی، در هر سرزمین می‌تواند ویژگی‌های خاص خود را در پی داشته باشد. به این ترتیب، باید برای شناخت بستر اجتماعی جامعه ایرانی، در جست و جوی نوع خاص مدرن شدن، یا تلاش برای مدرن شدنی که این سرزمین رخ داده است، باشیم. این تجربه را اگر در زمینه‌ای که رابرتسون به توصیف آن پرداخته است، ببینیم، باید پذیرفت که احتمالاً تلاش‌هایی برای نو شدن در کنار حرکت‌های دیگری برای نگهداشت سنت‌ها، دیده خواهد شد. به یقین زنان به دلیل پیوندهایی که در هر دو عرصه دارند، از جمله تأثیر پذیرندگان اصلی این چالش‌ها خواهند بود.

شاید بهترین فضایی که در خلال آن بتوان تلاش برای مدرن شدن را در جامعه ایرانی، مورد ملاحظه قرار داد، به فرایند نوسازی در ایران، باز می‌گردد. در این مسیر نخستین گام، شیفتگی و تلاش برای مشابه غرب شدن بود. طبیعتاً در این مسیر هریک از صاحب‌نظران یک یا چند عنصر را به عنوان عناصر اصلی‌ای که می‌تواند موجبات غربی شدن و مدرن شدن را برای ما فراهم آورد، شناسایی نموده و به آن به عنوان عنصر کلیدی تکیه می‌کردند. برخی بر ورود فناوری به عنوان اصلی‌ترین عنصر تأکید نموده و برخی دیگر از آموزش، قانون و غیره سخن می‌گفتند. این حرکت تا به آن جا رسید که تلاش برای گسترش شهرنشینی، تغییر زبان و ظواهر زندگی و تبدیل آن از کهنه به نو، شدت گرفت. بنا به نظر لوئیس (1381) و هانتینگتون (1376)، زنان در این میان جایگاه ویژه‌ای داشته و دارند. به سخن دیگر طبیعی به نظر می‌رسد که جامعه سنتی حضور و تعامل زنان را به نحو خاصی دیده، آن را برپایه اصول ویژه خود، برمی‌تابد. به این ترتیب، می‌توان انتظار داشت که پس از درگیر شدن در این فرایند باید دگرگونی‌هایی هرچند سطحی و ظاهری در این‌باره دیده شود.

ورود زنان به عرصه‌های جدید می‌تواند منجر به ایجاد روابط نوین در مسیر زندگی روزمره آنان شود. این امر می‌تواند حتی در فرایند هویت‌جویی آنان مؤثر باشد. روباتام در تعریف هویت می‌گوید: «... آگاه شدن از خویشتن و جایگاه خود در جهان، در ارتباط با دیگران تحقق پیدا می‌کند: فرایندی بسیار پیچیده که هرگز از طریق عوامل بیرونی به‌طور کامل تعیین نمی‌شود» (روباتام 1385: 18 - 17). به‌این‌ترتیب بخشی از آنچه زن ایرانی از خود ارائه می‌کند، در برقراری رابطه با افراد دیگر به‌ظهور می‌رسد و از این‌رو پرداختن به روابط اجتماعی‌ای که زنان در شرایط موجود دارند و تفاوت با آنچه پیش از این در اختیار آنان بوده است، ما را به شناختی هرچه بیشتر از آنچه که زن شهری ایرانی هم اکنون از خود در جامعه ارائه می‌دهد، هدایت خواهد نمود. به‌این‌ترتیب پرسشی که ما در این مقاله در پی پاسخگویی به آن هستیم، عبارت است از این‌که محتوای روابط اجتماعی زن ایرانی در خلال زندگی روزمره چیست؟

مروری بر مفهوم شبکه روابط اجتماعی

معمولاً جامعه‌شناسی به‌مثابه «علمی که به مطالعه روابط اجتماعی اعضای جامعه می‌پردازد» تعریف می‌شود. تونیس و زیمل از جمله اندیشمندان هستند که در مورد روابط اجتماعی نظریه‌پردازی کرده‌اند. مروری بر نظریات این دو، نشان‌دهنده غلبه روابط در ما در شهرها با ماهیتی فردگرایانه و خاص است. به نظر می‌رسد که روابط چهره به چهره در کلان‌شهرها به شدت روبه‌افول است. از نمونه این روابط در حال افول، روابط همسایگی است که بخش بزرگی از روابط زنان را در جامعه سنتی تشکیل می‌داد. بررسی زندگی زنان در کشور پاکستان که زن عمدتاً در موقعیت سنتی، زندگی می‌کند، حاکی از آن است که عرصه سنتی ویژه زنان در آن به شدت قوی است و آنان با حضور در اجتماعات محلی در دل مناطق شهری، به فعالیت‌های جمعی می‌پردازند. از این‌رو به نظر می‌رسد به همین دلیل یکی از مهمترین نقش‌های شبکه روابط اجتماعی در زندگی افراد به ویژه زنان، نقش حمایتی است (Furl. Net, 2000). در واقع از خلال این حضور است که آنان فعالیت‌های اجتماعی خود را انجام می‌دهند و در اجرای این نقش‌ها از یکدیگر حمایت می‌کنند.

شبکه‌های اجتماعی، توجه به آن و رشد تجزیه و تحلیل آن‌ها از دهه 1950 روندی روبه افزایش داشته است. میشل بر این باور است که پیوندهای سنتی در حال ضعیف شدن و

پیوندهای تازه‌ای در حال رشد است. وی شبکه اجتماعی را این‌گونه تعریف می‌کند: «مجموعه پیوندهای ویژه میان جمع مشخصی از افراد به صورت مضاعف، که وجه مشخصه این پیوندها آن است که به مثابه یک کل، برای تفسیر رفتار اجتماعی افراد درگیر، قابل استفاده است» (Mitchel 1999: 17 & Bridge 2002: 10). وی در تحلیل شبکه اجتماعی به ساخت کلی پیوندها و محتوای اجزاء، بدون توجه به فضایی که روابط در آن جریان می‌یابد، نظر دارد. از سوی دیگر کاستلز به ورود زنان به عرصه‌های اجتماعی مختلف، به ویژه کار دستمزدی در خارج از خانه و نیز حضور آنان در رهبری سازمان‌های مردمی در قلب مادر شهرهای امروزی یاد می‌کند (کاستلز 1380: 230 - 229). به نظر می‌رسد شبکه‌های روابط اجتماعی، به ویژه در جامعه جدید، برای زنان در مقایسه با مردان نقش و اثرهای ویژه‌ای به همراه دارد. برایان⁴ اشاره دارد که در یک بستر اجتماعی سنتی روابط اجتماعی زنان متأثر از فرایند اجتماعی شدن آنان است. وی می‌گوید «تأثیرات اجتماعی شدن جنسیتی در زنان به سادگی در روابط اجتماعی آنان دیده می‌شود. از زنان انتظار می‌رود که گرم، لطیف، مؤثر⁵ و دارای جهت‌گیری خانوادگی باشند» (Brayan 2001: 5) البته این جهت‌گیری خاص، به شبکه روابط زنان، با تیپ‌های مختلف از افراد، شامل روابط عاطفی، دوستان و خانواده نیز گسترش می‌یابد.

نکته مهم آن است که نمی‌توان این مجموعه روابط را به‌طور مجزا یا مطلق ملاحظه کرد، زیرا اغلب نوعی واکنش متقابل و تأثیر و تأثر میان اجزای مختلف شبکه روابط، به‌وجود می‌آید. مثلاً، روابط عاطفی و رمانتیک اغلب به‌مثابه نوعی رابطه نخستین⁶ در بین جوانان بالغ، دیده می‌شود. اما این رابطه هیچ‌گاه به تنهایی و مستقل از سایر اجزای شبکه روابط، تداوم نمی‌یابد. زنان معمولاً هم‌زمان با ایجاد و گسترش این رابطه، تعامل خود را با دیگر اعضای شبکه قطع نمی‌کنند، بلکه ترجیحاً در جست و جوی آن هستند که روابطی را با دوستان و افراد خانواده حفظ کنند. این در حالی است که ورود یک رابطه عاطفی به شبکه روابط زنان، می‌تواند در کالبد روابطی که در زندگی جاری و روزمره اجتماعی آنان وجود دارد، تفاوت‌هایی اساسی، بنیادین ایجاد نموده و آن‌ها را تغییر دهد. این امر، به‌طور مثال زمانی خود را به خوبی نشان می‌دهد که با ایجاد رابطه عاطفی، افراد خانواده (به ویژه پدر و مادر) یا دوستان، به‌طور ویژه در این زمینه واکنش نشان داده، بر آن تأثیر گذاشته و یا از آن تأثیر بپذیرند.

4 - Brayan

5 - Expressive

6 - Primary Relationships

حساسیت این امر باتوجه به نیاز به حمایت اجتماعی که از سوی شبکه روابط فردی، اعمال می‌شود، خود را به نمایش می‌گذارد. در واقع حمایت اجتماعی از جنبه‌های مختلف احساسی⁷، اطلاعاتی، مصاحبتی⁸ و نظایر آن که در خلال رخدادهای زندگی روزمره یا بحران‌هایی که فرد با آن روبه‌رو است، ظاهر می‌شود. صاحب‌نظران بر این باورند که دو منبع مهم حمایتی، خانواده و دوستان هستند. به ویژه آن‌که مطالعات نشان داده است که زنان، به ویژه زنان جوان، بیش از مردان به این حمایت‌ها تعلق خاطر نشان می‌دهند (Bryan 2001: 6). نکته مهم آن است که روابط اجتماعی به‌مثابه متغیر اجتماعی تفاوتی بنیادین با متغیرهایی از قبیل، جنس، سن یا درآمد به نمایش می‌گذارد. روابط اجتماعی دارای این ویژگی است که دو فرد از طریق رابطه‌ای که داری تداوم است با یکدیگر کنش متقابل برقرار می‌کنند⁹ در حالی که پدیده‌هایی مثل سن، جنس یا درآمد به‌طور معمول متغیرهایی با ویژگی ساده و انفرادی¹⁰ هستند. به عبارت دیگر، متغیرهای اخیرالذکر به هر فرد محدود می‌شود. بنابراین وقتی در یک پژوهش اجتماعی، به شبکه روابط، توجه می‌شود، روابط دوتایی و چندتایی مدنظر قرار می‌گیرد. برخی از این روابط عبارتند از:

- روابط خویشاوندی مثل خواهر، برادر، پدر، مادر؛
- نقش‌های اجتماعی مثل رئیس، معلم، دوست؛
- روابط احساسی مثل دوست داشتن، احترام، تنفر؛
- روابط شناختی مثل آشنایی یا احساس تشابه در خصوصیات جسمی یا روحی؛
- روابط کنشی مثل محبت کردن، نهار خوردن با...؛
- فاصله‌ها در روابط مثل جدا افتادگی اعضای خانواده از هم، به واسطه زندگی در شهرهای مختلف؛
- رخدادهای همزمان مثل حضور دو نفر در یک کلاس یا دانشگاه یا ورزش و... (Furl. ENT, 2004).

به نظر می‌رسد که نقش‌های چندگانه شبکه روابط اجتماعی در زندگی فرد از طریق تنوع تیپ‌بندی این روابط ایفا می‌شود. در تحلیل شبکه روابط دو رویکرد کلی وجود دارد. در اولین

7 - Emotional

8 - Companionship

9 - Dyadic attribute

10 - Monadic attribute

نوع، بیشتر، پیمایش‌های بزرگ مقیاس، برای دستیابی به فهم از ساخت کلی شبکه، مورد استفاده قرار می‌گیرند. این رویکرد جامعه محور بوده، رفتار افراد را از موقعیتشان در شبکه کلی استنتاج می‌کند و براساس آن، رفتار همانند برای افرادی که در همان موقعیت در شبکه کلی هستند، پیش‌بینی می‌شود.

از دیدگاهی دیگر، شبکه‌ها را می‌توان از رویکرد «درون - بیرون» مورد مطالعه قرار داد که معمولاً پژوهشگران با اتکا به آن به انجام پیمایش‌های کمی توأم با مطالعات عمیق کیفی با اتکا به تاریخ زندگی و کیفیت تجربی انواع شبکه‌ها می‌پردازند. این رویکرد بر محور «خود» استوار بوده و در پی پیوندهای پاسخگویان در داخل شبکه است. این پژوهش عمدتاً با اتکا به رویکرد اخیر انجام شده است. در این مطالعه به شبکه روابط با اتکا به کنش متقابل میان فرد و عرصه اجتماعی‌ای که شبکه روابط در درون آن محقق می‌شود، نگرسته شده است. همچنین در این پژوهش عمدتاً به انواع آغازین عناصر روابط اجتماعی از قبیل روابط خویشاوندی و نقشی توجه شده است.

به نظر می‌رسد که اگر ما پدیده جهانی - بومی شدن را به عنوان زمینه موجود در جوامع مختلف، به مثابه فضایی که روابط اجتماعی در آن محقق می‌شود، بپذیریم؛ باید منتظر پیدایش تفاوت‌هایی در شبکه روابط افراد باشیم. در این میان اگر این فرایند را به مثابه فرایندی برابر ساز بشناسیم، می‌توان انتظار داشت که شاهد تغییراتی در مجموعه روابط زنان باشیم که بر همانندی آن به روابط مردانه افزوده باشد. در این پژوهش همچنین به انواع آغازین عناصر روابط اجتماعی از جمله روابط خویشاوندی و نقشی توجه شده است.

باتوجه به ویژگی‌های جامعه ایرانی، به نظر می‌رسد انتخاب زنان شهری، ما را به شناخت عمیق‌تری در این باره هدایت خواهد نمود. همچنین برای پاسخگویی به پرسش آغازین، روش‌شناسی‌ای طراحی شد که در آن ضمن شناسایی عناصری که به‌طور سنتی محتوای روابط اجتماعی زنان شهری ایرانی را تشکیل می‌داد، امکان مقایسه آن با شرایط موجود نیز فراهم شود.

روش‌شناسی

روش هر پژوهش باتوجه به ماهیت پرسش آغازین و ماهیت و کیفیت متغیرهای مورد سنجش، تعیین می‌شود. در پرسش آغازین این پژوهش، به دنبال شناخت پویایی عناصر شبکه روابط زنان شهری است. آیا این روابط وسعت و ابعاد بیشتری پیدا کرده است، یا خیر؟

به این ترتیب، توجه به تاریخ و مروری بر سفرنامه‌های مسافران به ایران، زندگی‌نامه‌ها و زندگی‌نامه‌های خود نوشت و برای شناخت شرایط آغازین روابط اجتماعی زنان، از اهمیت بسیاری برخوردار است.

در این مطالعه، متغیرها از نوع واقعیات ساده است و بعضاً می‌توان آن‌ها را به سادگی در زندگی افراد دید و درباره آن پرسش کرد؛ اما چنان که می‌دانیم، به‌طور معمول زن ایرانی در پرده بوده و مسایل مربوط به او از نوعی راز گونگی برخوردار است که موجب پیچیده‌تر شدن امور مربوط به آنان شده است. از این روی، با توجه به آن که ممکن است روابط عاطفی و سطح برخی از روابط با مردان، از انواع تابوهایی باشد که برای زنان سخن گفتن در این باره، مشکل بوده و از آن ابا داشته باشند، تصمیم گرفته شد که پیش از ورود به پیمایش، به عنوان بخش اصلی که انتظار یافتن داده‌های صریح در آن می‌رود، به گردآوری داده‌هایی از جنس کیفی، با استفاده از ابزار مصاحبه‌های فاقد ساختار پردازیم، تا به این ترتیب، ضمن دستیابی به شناخت عمیق‌تری در مورد عناصر روابط اجتماعی زنان و گستره آن، بتوانیم پرسش‌های مطرح شده در ابزار پرسشنامه - در بخش پیمایش - را با دقت بیشتر و به‌گونه‌ای مناسب‌تر طراحی نماییم. به این ترتیب در این پژوهش، روش تحقیق با استفاده از روش ترکیبی طراحی شده است که عنصر اصلی آن پیمایش بوده و این بخش با دو بخش کوچکتر تاریخی و کیفی پشتیبانی می‌شود (Creswell 1994: 307 - 309; Baker 1999).

یافته‌های پژوهش

الف - گستره و شکل روابط اجتماعی زنان در شرایط سنتی

مرور کتاب‌ها، خاطرات و سفرنامه‌های خارجیانی که از ایران دیدن کرده‌اند، حاکی از آن است که زنان شهری و به ویژه زنان متعلق به طبقات بالا و مرفه، در محدوده خانه زندگی کرده و روابط اجتماعی محدودی داشتند. زن اساساً در خانه‌ها و مرتبط با شبکه روابط خانوادگی زندگی می‌کرد. نکته این است که این روابط نیز عمدتاً زنانه بود (شل 1368؛ سرنا 1362؛ پولاک 1368؛ سرایی و علیرضانژاد 1385؛ پهلوان 1382). نقش‌های مشخص او به دایره روابط خانوادگی؛ راحتی همسر و ادامه نسل محدود می‌شد و در این همه، زن دلیلی برای رابطه با افراد بیرونی نداشت¹¹. گزارش‌ها حاکی از نبود امکان ملاقات زنان با مردان غریبه

11 - در این مورد نگاه کنید به نسخه‌های دست‌نویس معایب الرجال و تادیب النساء - این آثار منتشر نشده است.

است (شل 1368؛ آیت‌الله جوادی 1381). این محدودیت روابط، گاه به ویژه در نزد اشراف، به زنان غریبه نیز تسری می‌یافت (شل 1368؛ سرنا 1362؛ پولاک 1368). روضه و زیارت، رفت و آمدهای زنانه و دور هم نشستن در ساعات مختلف روز یکی دیگر از وسایلی بود که وقت زنان را پر می‌کرد و طی این نشست و برخاست‌های زنانه، فرصت مناسبی وجود داشت تا زنان بتوانند طرز پختن انواع غذاها و شیرینی‌ها، شیوه تهیه انواع ترشی‌ها، مربا و دوخت و دوز را یاد بگیرند و به یکدیگر یاد بدهند. حسن بیگی باتوجه به تفریحات زنان، نشان می‌دهد که محدوده روابط اجتماعی آنان به جز زنان خویشاوند، زنان همسایه را نیز در بر می‌گرفت (1366).

فراهم شدن شرایط تحصیل مدرن در خارج از خانه و سپس ایجاد مشاغل برای حفظ عرصه زنانه (سرایی و علیرضائزاد 1385: 39 - 23؛ علیرضائزاد و سرایی 1386: 147 - 123) و نیز فعالیت در خیریه‌ها و سپس اشکال مدرن‌تر فعالیت‌های داوطلبانه، فرصتی برای ظهور روابط نقشی اجتماعی در زندگی زن ایرانی به‌وجود آورد.

اگرچه کماکان بیشتر زنان ایرانی از حضور در عرصه‌های عمومی به واسطه عدم دسترسی به تحصیلات و اشتغال به‌کار در خارج از خانه، به دور مانده بودند، اما در عین حال وجود زنانی با تحصیلات جدید و اشتغال - عمدتاً در زمینه‌های فرهنگی - باتوجه به مدارس دخترانه‌ای که علی‌رغم مخالفت‌ها، به تدریج از دوره قاجار، توسط زنان تحصیل‌کرده ایجاد شده بود، نقطه عطف بزرگی در زندگی زن شهری ایرانی بود که به ویژه در دوران مشروطیت محقق شد. بروگش و پولاک از زنان باسواد در خانواده سلطنتی و تمایل آنان به ایجاد تحولاتی در جامعه، یاد می‌کنند (بروگش 1367: 202؛ پولاک 1368: 240). لیدی شل می‌گوید که زنان در خارج از خانه در هیچ مراسم رسمی شرکت نمی‌کردند (همان)، از این‌رو به نظر می‌رسد در روابط زن ایرانی، روابطی از نوع نقشی و یا کنشی، به ویژه در ارتباط با مردان وجود نداشت. بنا به اظهار تاج‌السلطنه دختر ناصرالدین شاه روابط عاطفی و رمانتیک نیز به‌طور معمول در مجموعه روابط دختران جوان ایرانی جایی نداشت؛ زیرا راه ملاقات با مردان بیگانه، مسدود بود (عرفانیان 1378: 45 - 37؛ سرنا 1362؛ لیدی شل 1368).

تحصیلات از اولین عوامل مدرنی بود که وارد زندگی زن ایرانی شد و امکان روابط کنشی و نقشی را در زندگی وی فراهم کرد. این فرصت به ویژه با فراهم شدن امکانات آموزش جدید برای آنان فراهم شد (سال 1275). مدت کوتاهی پس از آن برای حفظ روابط زنان با

یکدیگر، امکان اشتغال زنان به عنوان معلمان مدارس دخترانه اشکال جدیدی از روابط اجتماعی را وارد زندگی روزمره آنان نموده و روابط کنشی و نقشی را تثبیت نمود. ظهور انجمن‌ها و نشریات زنان نیز در گسترش این روابط مؤثر بود (کسروی 1378؛ یزدانی 1378؛ ابراهیم‌زاده 1381؛ ترابی‌فارسانی 1378؛ اکبری 1382).

در دوران پهلوی نیز یکی از مهمترین گروه‌هایی که در معرض سیاست‌های مدرن‌سازی قرار گرفتند گروه زنان بودند (اکبری 1382؛ سرشمارهای نفوس و مسکن در سال‌های 1355، 1345، 1335، 1365؛ Siasei 1996). در این دوره، مطالعات چندی در زمینه اشتغال و آموزش زنان و تأثیر آن بر الگوی تفکری آنان درباره زندگی انجام شده است (Siasei 1996) اما روابط اجتماعی زنان به ویژه خارج از محیط خانه و روابط خانوادگی مدنظر نبوده و اطلاعات چندانی در این‌باره موجود نیست. لیکن باتوجه به تلاش‌هایی که برای بسط تحصیلات، اشتغال و فعالیت‌های آنان در سازمان‌های غیردولتی و نیز احزاب (طیرانی 1376 و اکبری 1382) انجام شده است، می‌توان انتظار داشت که شاهد ایجاد شکل‌های تازه‌ای از روابط اجتماعی در نزد زنان اشراف و خانواده سلطنتی و نزدیکان به این خانواده باشیم؛ اما گزارش‌های خاصی در این‌باره دربارهٔ عامهٔ زنان موجود نیست.

ب - آموزش مدرن و اشتغال در خارج از خانه و گسترهٔ روابط اجتماعی

مطالعه متون تاریخی حاکی از آن است که دوران پهلوی از نظر ایجاد فرصت تحصیل برای زنان تأثیر بسزایی در زندگی آنان داشته است. مصاحبه‌های انجام شده با زنانی که در این دوران زندگی کرده و در خارج از خانه شاغل بودند، نشان دهندهٔ آن است که اشکالی از روابط دوستانه با همکاران و به ویژه به شکل خانوادگی وارد شبکه روابط خانوادگی آنان شده بود؛ اما کماکان روابط خانوادگی از مهمترین عناصر ارتباطی در زندگی زن ایرانی، هرچند شاغل، بود. این روابط شامل روابط با خانوادهٔ خود زن و نیز خانوادهٔ همسر وی می‌شد.¹² عنصر محرمیت در گسترهٔ روابط، در خانواده زن و یا شوهر نقش اصلی داشت. مصاحبه‌های انجام شده حاکی از آن است که نمی‌توان نقش انقلاب اسلامی را در ورود زن شهری ایرانی به محیط‌های بیرون از خانه و گسترش روابط اجتماعی آنان، حتی با مردان، نادیده انگاشت. در مصاحبه‌ها، بانوان از ایجاد روابط عاطفی، فکری و همچنین اهمیت، وزن و سطح روابط

12 - پدر و مادر همسران و برادران و خواهران

اجتماعی خود صحبت کرده و بعضاً روابط فکری و دوستانه را در زندگی، مهمتر از روابط خانوادگی برشمرده‌اند. هدف از این روابط برطرف کردن نیازهایی ذکر شده است که به‌طور معمول، انتظار تأمین و حمایت از آن در فضای خانوادگی، نمی‌رود. این نکته به ویژه باتوجه به کاهش شدید میزان اشتغال زنان در این دوره¹³ از اهمیت بسیاری برخوردار است.

مطالعه در این بخش نشان می‌دهد؛ که اگرچه سهم عمده‌ای از روابط زنان را مجموعه روابط خانوادگی تشکیل می‌دهد لیکن زنان تحصیلکرده و شاغل توانسته‌اند اشکالی از روابط دوستانه را وارد شبکه روابط اجتماعی شخصی و نیز خانوادگی خود نمایند. بنا به اظهار بانوان تحصیلکرده، آنان در سال‌های گذشته برای تحکیم و تثبیت روابط خود، تلاش می‌کردند؛ که آن را خانوادگی نموده و به عبارت دیگر آن را به سطح همسران گسترش دهند ولی ظاهراً در چند سال اخیر این رفتار اهمیت خود را از دست داده و آنان توانسته‌اند، برخی از روابط را در سطح فردی و بدون درگیر نمودن خانواده، به نحو پایدار تداوم بخشند.

مصاحبه‌ها نشان داد که اغلب این عناصر با ورود تحصیلات دانشگاهی و نیز اشتغال و گاه فعالیت‌های داوطلبانه وارد زندگی زن شهری شده است. در مرور منابع مربوط نیز مشاهده می‌شود که براساس مطالعه خانم سیاسی (1966)، تحصیلات دبیرستان، تأثیر چندانی در تغییر الگوی زندگی زنان شهری ایرانی ندارد؛ از این‌رو در این مطالعه به میزان دسترسی به تحصیلات آکادمیک توجه شده و بر این اساس چهار تیپ؛ زن تحصیلکرده دانشگاهی و شاغل، زن تحصیلکرده فاقد شغل، زن شاغل و فاقد تحصیلات دانشگاهی و زن غیرشاغل و فاقد تحصیلات دانشگاهی، شناسایی شده است. این چهار تیپ مبنای مقایسه و بررسی در بخش پیمایش قرار گرفته است. مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که فرصت تحصیل از دوران ابتدایی تا سطح تحصیلات دانشگاهی به تدریج و همراه با رقابت، با فضای سنتی، برای زنان فراهم شده است. از میان چهار تیپی که در این بررسی شناسایی شده‌اند، دو تیپ تجربه تحصیلات دانشگاهی را دارند. اگر دانشگاه‌ها آنچنان که هانتینگتون و برخی از صاحب‌نظران مکتب مدرنیزاسیون به آن باور دارند، فرصتی برای اجتماعی شدن مجدد برای افراد است؛ و اگر در این دانشگاه‌های جهان سومی با تیپی از زنان مواجه می‌شویم که برخی از تمایلات زنان مدرن را در کنار نوعی تلاش برای حفظ شرایط بومی با هم به نمایش می‌گذارند، در این

13- در این مورد نگاه کنید به نتایج سرشماری‌های سال‌های 1355 و 1365

صورت شاید بتوان در میان این دو تیپ، شکل‌های جدیدی از روابط اجتماعی را دید (هانتینگتون 1378؛ ویرون 1350). از خلال مصاحبه‌های انجام شده، می‌توان به نکات ذیل درباره تحصیلات دوران دانشگاه و روابط اجتماعی که بانوان در آن دوره برقرار کرده بودند، اشاره کرد:

- 1 - حضور پسران و دختران در یک محیط جالب توجه تلقی شد، زیرا این دسته از مصاحبه شوندگان پیش از این تجربه‌ای مشابه نداشته و از نوعی رابطه مبتنی بر رقابت در میان دختران، به علت وجود پسران دانشجو در محیط، یاد می‌کنند.
 - 2 - افزون بر روابط عاطفی و آشنایی با همسر در دانشگاه برای برخی از زنان شاغل، می‌توان به نتایج دیگری چون وصل شدن به شبکه وسیعی از روابط اجتماعی زنانه با ابعاد جغرافیایی و قومی وسیع اشاره کرد. اقامت در خوابگاه یکی از فضاهایی است که به گسترش عرصه جغرافیایی و قومی روابط زنانه یاری می‌رساند.
 - 3 - روابط با دوستان دوران دانشگاه، موجب تجربه‌اندوزی و روابط حرفه‌ای در دوره‌های بعدی زندگی برای افراد شده است. این روابط معمولاً به‌طور کامل متعلق به خود آنان بوده و بانوان این روابط را با خانواده نخستین و دومین خود شریک نیستند.
 - 4 - رابطه با صاحبان عقیده و نظر، جلسات کتابخوانی و سخنرانی، حضور در سینما و تئاتر.
 - 5 - دانشگاه بیش از آن که یک شبکه روابط را به‌وجود آورد، گذرگاهی برای ورود به جامعه است.
 - 6 - پس از پایان تحصیلات دانشگاهی، فاصله‌های مکانی، روابط اجتماعی دوران دانشگاه را از میان برده، روابط شغلی به جای آن قرار می‌گیرد.
 - 7 - کیفیت روابط در خلال دوره دانشگاه تغییر کرده، عمیق‌تر می‌شود.
- به نظر می‌رسد که دانشگاه برای بانوان مصاحبه شده، روابط جدیدی به همراه داشته است که این روابط گاه از پایداری برخوردار نبوده؛ اما در عین حال دوران دانشگاه در زندگی آنان نقش آفرینی نموده و تجربه دسترسی به شبکه روابط جدیدتری از قبیل روابط نقشی، کنشی، آشنایی، همفکری، عاطفی و همدلی را - که برای درصد بالایی از زنان جوان ایرانی، پدیده‌ای نو بود - به همراه آورده است. با این همه به نظر می‌رسد که روابط ایجاد شده در دوران تحصیلات دانشگاهی در صورتی که به عناصر پایداری چون اشتغال (یا علایق حرفه‌ای) و خانواده پیوند می‌خورد، به شکلی پایدار در می‌آید.

ج - شغل و شکل و گستره روابط اجتماعی زنان شهری

1 - زنان فاقد تحصیلات

روابط متکی بر شغل، از جمله روابط متکی بر نقش اجتماعی است، اما با توجه به پیچیدگی روابط انسانی، در این حد باقی نمی‌ماند؛ یعنی امکان ایجاد روابط عاطفی، دوستانه، کنشی و غیره نیز در این حوزه، موجود است.

نکته جالب توجه درباره برخی از خانم‌ها این بود که آنان توانسته بودند، دو دسته روابط کاملاً مجزا از هم را بسازند و تداوم بخشند. 1- روابط خانوادگی، 2- روابط کاری (این روابط در محدوده‌های خاص خود در حد نقشی باقی‌نمانده و روابط کنشی و عاطفی - حمایتی نیز به آن اضافه شده است، اما کاملاً از دنیای خانواده و روابط خصوصی جدا مانده و تنها متعلق به زن است). برخی از آنان می‌کوشند تا روابط شغلی خود را به سوی محیط خانوادگی تداوم بخشند. این تیپ با اشکال سنتی رابطه زنان نزدیکتر است؛ زیرا عملاً روابط حول محور خانه و خانواده شکل می‌گیرد. شایان توجه است که بخش بزرگی از روابطی که حول محور خانه شکل گرفته، صرفاً زنانه است. برخی از زنان این روابط را کاملاً خانوادگی کرده‌اند به گونه‌ای که همسران آنان نیز کاملاً با هم مرتبط شده‌اند. نکته این‌جاست که نوع پیشین که توانست، برخی از روابط اجتماعی خود را کاملاً مستقل از خانواده تداوم بخشند، به خوبی نشانگر شکاف مدرن عمومی - خصوصی است. عادت به استفاده از تلفن، که به ویژه در میان زنان ایرانی به شکلی مزمن شایع است، از جمله مهمترین عناصری است که به نوعی دو دنیای عمومی و خصوصی را به هم پیوند می‌دهد. اما به هر صورت پذیرفتنی است که اکنون به‌طور نسبی این دو عرصه مجزا در زندگی زن شهری ایرانی وجود دارد و قابل مشاهده است.

2 - زنان تحصیلکرده

زنان دارای تحصیلات دانشگاهی به دو دسته تقسیم شدند، یک دسته از آنان شاغل و دسته دیگر فاقد شغل بودند. از نظر برخی از زنان شاغل و تحصیلکرده، آنان به مجموعه وسیعی از روابط اجتماعی پیوند خورده‌اند که معمولاً در تداوم روابط شغلی شکل گرفته است. زنان تحصیلکرده مشابه زنان فاقد تحصیلات دانشگاهی در مجموعه روابط خود، نوعی از رابطه را که شامل، «همسران دوستان همسر» آنان است، دارا هستند؛ اما این روابط در زنان

تحصیل‌کرده بیشتر با روابط فکری و دوستانه نیز پیوند خورده است. هردو تیپ زنان تحصیل‌کرده از نوعی از رابطه که آن را «رابطه فکری» می‌نامند، در شبکه روابطشان یاد کردند. شایان ذکر است که اغلب آنان این نوع از روابط را بسیار مهم تلقی می‌کردند. بسیاری از آنان منشأ این رابطه را به زمان تحصیل در دانشگاه می‌دانستند. با توجه به نحوه نگاه این بانوان به نظر می‌رسد که «رابطه فکری» از نوع روابط کنشی است.

مطالعات کمی

برای اجرای بخش کمی، تلاش شد تا با ساختن یک مجموعه شاخص، گستره روابط اجتماعی زنان شهری در میان چهار تیپ شناخته شود و امکان مقایسه آن‌ها با یکدیگر فراهم گردد. حاصل مطالعات در این بخش نیز نشان داد که شکل و گستره روابط اجتماعی زنان در میان چهار تیپ ذکر شده، تفاوت‌هایی دارد. اما نباید از یاد برد که حضور بسیار پر قدرت خانواده در اولین انتخاب‌هایی که رابطه‌های اجتماعی حول آن شکل گرفته است، همچنان در هر چهار تیپ از الگوی مشابهی پیروی می‌کند. در این پژوهش عمدتاً به انواع نخستین عناصر روابط اجتماعی از قبیل روابط خویشاوندی و نقشی توجه شده است.

نخستین گام در بررسی شبکه‌های روابط در نزد تیپ‌های مختلف، در بخش کمی پژوهش، در پی پاسخ به این پرسش برآمد که آیا زنان در میان تیپ‌های مختلف، مایل به گسترش دامنه روابط اجتماعی خود هستند، یا سطح موجود روابط برای آنان بسنده است؟ به نظر می‌رسد که گستره روابط برای زنان، معنای ویژه‌ای در بر دارد که احتمالاً از یک تیپ به تیپ دیگر متفاوت است. به این ترتیب پاسخ به این پرسش می‌تواند ما را در دستیابی به این مهم یاری رساند؛ زیرا چنانچه بانوان در تیپ‌های مختلف برخورد یکسانی نسبت به بسط عناصر شبکه روابط اجتماعی خود داشته باشند، کل بحث بر پایه‌های صحیحی قرار نخواهد داشت. داده‌های جدول‌های 1 نشانگر آن است که در تمایل زنان به گسترش روابط اجتماعی، در میان تیپ‌های مختلف، تفاوت معناداری وجود دارد. اما نکته آن است که کمترین شاخص ناهمسانی میان تیپ‌های دو و چهار دیده می‌شود که کای اسکوتر بین این دو تیپ نیز نشان‌دهنده نبود. تفاوت در رفتار آنان است. این هر دو تیپ فاقد شغل هستند. از سوی دیگر، دومین مقایسه‌ای که نشان‌دهنده شاخص ناهمسانی پایین است، به دو تیپ 1 و 2 باز می‌گردد که کای اسکوتر بین

این دو تیپ نیز حکایت از نبود تفاوت معنی‌دار در تمایل میان این دو تیپ، به برقراری رابطه با دیگران و گسترش سطح روابطشان، دارد. این دو تیپ، هر دو، از منظر دارا بودن تحصیلات دانشگاهی به هم شبیه هستند. شاخص‌های ناهمسانی و مقایسه سطح معناداری روابط در بین تیپ‌های مختلف، بیشترین تفاوت را در تیپ فاقد شغل و تحصیلات نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، تمایل به گسترش روابط در این تیپ بیش از سه نوع دیگر است.

جدول 1 - توزیع درصدی مقایسه تیپ‌های زنان¹⁴ برحسب علاقه‌مندی به داشتن رابطه با دیگر افراد

اختلاف درصدی						4	3	2	1	تیپ علاقه به رفت و آمد
4و3	4و2	3و2	4و1	3و1	2و1					
32/2	1/7	-30/5	16/4	-15/8	14/7	57/4	25/2	55/7	41	بله
-0/6	-0/5	0/1	1/6	2/2	2/1	18	18/6	18/5	16/4	خیر
-31	-8/2	23	-18	13	10	24/6	55/6	32/8	42/6	تا حدودی
-	-	-	-	-	-	100	100	100	100	جمع - درصد
-	-	-	-	-	-	243	60	61	61	جمع - تعداد

جدول 1 - 1 شاخص‌های ناهمسانی توزیع درصدی مقایسه تیپ‌های زنان برحسب علاقه‌مندی به داشتن رفت و آمد با دیگران

4و3	4و2	3و2	4و1	3و1	2و1	تیپ‌های مقایسه شده
31/9	5/2	26/8	18	15/5	13/4	شاخص ناهمسانی

14 - در این اثر، چهار تیپ به ترتیب شامل موارد ذیل است:

- 1- زنان شاغل و دارای تحصیلات دانشگاهی؛
- 2- زنان دارای تحصیلات دانشگاهی و غیرشاغل؛
- 3- زنان شاغل و فاقد تحصیلات دانشگاهی؛
- 4- زنان غیرشاغل و فاقد تحصیلات دانشگاهی.

جدول 1 - 2 مقایسه کای اسکوتر بین تیپ‌های مختلف زنان باتوجه به تمایل برای داشتن رفت و آمد با دیگران

سطح معنی داری	درجه آزادی	کای اسکوتر	مقایسه بین تیپ‌ها
0/01	9	469/21	چهار تیپ
0/2	2	3/59	2و1
0/05	2	5/99	3و1
0/04	2	7/6	4و1
0/0	2	26/8	3و2
0/9	2	0/87	4و2
0/0	2	25/37	4و3

دومین گام در شناخت گستره روابط اجتماعی زنان شهری، شناخت عناصر آن است. در خلال مصاحبه‌های کیفی انجام شده، اصلی‌ترین عناصر شبکه روابط اجتماعی زنان، به صورت خانوادگی یا شخصی و در درون و بیرون از خانواده شناسایی شده‌اند. معمولاً نخستین اولویت روابط به «خانواده زن» تعلق داشته، دومین عنصر ارتباطی قوی، «اعضای خانواده پدری همسر» هستند. در روابط اجتماعی زنان شهری متأهل، «همسایگان» حضوری کم رنگ اما نسبتاً پایدار دارند. این حضور به ویژه در مجموعه روابط شخصی آنان اندکی پررنگتر است. «دوستان» نیز از جمله مواردی هستند که در مجموعه روابط خانوادگی به گونه‌ای کم‌رنگ حضور دارند و در روابط شخصی نیز، اندکی پررنگتر، قابل مشاهده‌اند. از جمله این موارد، «دوستان دوران مدرسه» هستند. این داده‌ها مبنای مشاهدات انجام شده در بخش کمی هستند. داده‌های به دست آمده حکایت از شرایط همسانی دارد.

یکی از نکات شایان توجه این است که در مورد رابطه با دوستان در همه موارد، حتی در مورد زنان تحصیلکرده نیز در وهله اول مشاهده شد که پرفراوانی‌ترین گزینه‌ها، گزینه عدم ارتباط بود، اما مشاهدات کمی به روشنی حکایت از وجود دو سطح مختلف رابطه که عبارت از روابط خانوادگی و روابط شخصی است، دارد. این سری از جدول‌ها نشان دهنده آن است که الگوی رفتاری در میان تیپ‌های مختلف زنان باتوجه به میزان بهره‌مندی از دو ویژگی

اشتغال و تحصیلات دانشگاهی به طور معناداری با یکدیگر متفاوت است. این امر نشان دهنده نقش آفرینی هر دو این متغیرها در شکل دهی به گستره و محتوای روابط خانوادگی این زنان است. جدول 2 حکایت از گستردگی بیشتر روابط برای تیپ زنان شاغل و تحصیلکرده دارد.

جدول 2 - توزیع درصدی تیپ‌های مختلف زنان باتوجه به گستره ارتباطات خانوادگی

اختلاف درصدی						4	3	2	1	تیپ تعداد عناوین ارتباطات ¹⁵
4و3	4و2	3و2	4و1	3و1	2و1					
-0/5	7/9	8/4	2/3	2/8	-5/6	12/2	12/7	4/3	9/9	1 - 2 ارتباط
-5/5	11/1	16/6	13/2	18/7	2/1	32/8	38/3	21/7	19/6	3 - 4 ارتباط
19/3	3	-16/3	13/1	-6/2	10/1	42/6	23/3	39/6	29/5	5 - 6 ارتباط
-6/8	-19/6	-12/8	-4/8	2	14/8	9/9	16/7	29/5	14/7	7 - 8 ارتباط
-6/7	-1/6	5/1	-22/9	-16/2	-21/3	3/3	10	4/9	26/2	9 - 10 ارتباط
-	-	-	-	-	-	100	100	100	100	جمع - درصد
-	-	-	-	-	-	61	60	61	61	جمع - مطلق

جدول 2 - 1 شاخص‌های ناهمسانی اختلافات نسبی میان تیپ‌های مختلف زنان باتوجه به تعداد عناوین ارتباطات خانوادگی

4و3	4و2	3و2	4و1	3و1	2و1	مقایسه تیپ‌ها
19/4	21/6	29/6	28/15	22/95	26/95	شاخص‌های ناهمسانی

15 - در این ستون به تعداد روابطی که زن به صورت خانوادگی برقرار کرده و تداوم بخشیده توجه شده است. در پرسشنامه از پاسخگویان خواسته شد تا مجدداً نوع روابطی را که به صورت خانوادگی دارند، نام ببرند. باتوجه به آن که حاصل این پرسش، کاملاً با نتایج حاصل از گردآوری اطلاعات با استفاده از ابزار مصاحبه‌های فاقد ساختار یکسان بود، در این بخش تنها به تعداد روابطی که زنان پاسخگو در چارچوب روابط خانوادگی داشتند توجه شده است. تعداد روابطی که زنان در زندگی خانوادگی خود شناسایی کرده‌اند، مستقل از عمق و شدت رابطه، بین حداقل 1 تا حداکثر 10 رابطه نوسان داشت.

جدول 2 - 2 مقایسه کای اسکور بین تیپ‌های مختلف باتوجه به تعداد عناوین ارتباطات خانوادگی

سطح معناداری	درجه آزادی	کای اسکور	مقایسه بین تیپ‌ها
0/0	30	70/178	هر چهار تیپ
0/01	4	23/04	2و1
0/01	4	14/36	3و1
0/01	4	24/62	4و1
0/01	4	16/11	3و2
0/01	4	16/23	4و2
0/05	4	11/04	4و3

پیش از این مشاهده شد که معمولاً زن ایرانی عمدتاً دارای روابطی در درون خانواده و با ماهیتی خانوادگی است. اما در عین حال اقماری از بانوان شهری ایرانی توانسته‌اند دو سطح از رابطه را به‌طور مستقل از یکدیگر حفظ نمایند. در این بخش تلاش می‌شود تا محتوا و گستره این دو شکل روابط - شامل روابط همراه با خانواده و روابط شخصی بانوان - را شناسایی نماییم.

1 - گستره روابط اجتماعی زنان با همراهی خانواده

در جدول 2، شاهد آن هستیم که در دو گزینه اول، یعنی مقایسه بین شاغلین و غیرشاغلین، تفوق با زنان فاقد شغل است. اما در روابطی با گستردگی بسیار زیاد مثل 9 یا 10 عنوان ارتباط، شاهد تفوق زنان شاغل هستیم. نکته جالب آن است که جز در دو گزینه 9 و 10 ارتباط، زنان تحصیلکرده فاقد شغل، معمولاً بیشترین حضور را نشان می‌دهند که بیانگر نقش آفرینی احتمالی عنصر تحصیلات دانشگاهی در ساختن تنوع روابط برای زنان است. باتوجه به تأیید وجود تفاوت در تعداد روابطی که زنان متعلق به تیپ‌های مختلف در روابط خانوادگی‌شان با آن درگیر هستند، محاسبه کای اسکور در مورد رابطه بین اولویت‌های ارتباطی زنان در نخستین تا سومین انتخاب و تیپ‌های مختلف زنان، حاکی از نبود تفاوت معنادار است. به نظر می‌رسد باتوجه به یکسانی سه انتخاب اول در بین چهار تیپ مورد بررسی، بتوانیم نتیجه بگیریم که این سه انتخاب عمدتاً در حوزه روابط خانوادگی قرار دارند.

توجه به فراوانی این انتخاب‌ها نیز نشانگر همین امر است. یعنی روابط خانوادگی مهمترین روابط بوده، در کلیه تیپ‌ها ارزش یکسانی دارد.

در مورد میزان ملاقات با اولویت‌های چهارم و پنجم، رفتار در میان تیپ‌های مختلف دارای تفاوت معنادار است. در مورد روابط بیش از این تعداد، روند افزایشی در فراوانی بی‌پاسخی دیده می‌شود، که حکایت از وجود حداکثر 5 نوع رابطه در گستره روابط اجتماعی (همراه با خانواده) زنان شهری در میان تیپ‌های مختلف دارد. به این ترتیب به نظر می‌رسد که دو عرصه کلی در مجموعه روابط اجتماعی بانوان متأهل شهری قابل مشاهده است: 1- مجموعه روابط درون خانواده و 2 - عرصه کوچک روابط بیرون از خانواده که خود را در اولویت‌های چهارم و پنجم به نمایش می‌گذارد.

بررسی مصادیق روابط، نشان دهنده آن است که حدود 84% از پاسخگویان خویشاوندان درجه 1 خود را به عنوان گزینه نخست در رفت و آمد خانوادگی، انتخاب کرده‌اند. 18/1% از پاسخگویان نیز خانواده درجه 1 همسر خود را به عنوان نخستین گزینه در رفت و آمد خانوادگی معرفی کرده‌اند. با توجه به وجود تفاوت معنی‌دار در بین تیپ‌های مختلف، در اولویت‌های چهارم و پنجم، به نظر می‌رسد که روابط غیرخانوادگی معمولاً از اولویت چهارم و پس از آن آغاز می‌شود. در سه انتخاب اول، معمولاً اکثریت قاطع با روابط خانوادگی و خویشاوندی است و هرچه به انتخاب دهم نزدیکتر می‌شویم، ضمن کاسته شدن از حجم جمعیت دارای رابطه (تا 95%)، بر حجم روابط غیرفامیلی افزوده می‌شود. به طور کلی در سه اولویت اول، رفت و آمد خانوادگی، روابط خانوادگی را با خانواده فرد و یا همسرش به طور بسیار قوی مشاهده می‌کنیم که نشانگر آن است که همچنان عرصه اصلی روابط اجتماعی زن ایرانی در کلیه تیپ‌ها، رابطه‌های درون خانواده است، اما از گزینه چهارم به بعد ورود عوامل غیرخانوادگی به تدریج مشاهده می‌شود.¹⁶

شاخص دیگری که در این بخش مدنظر قرار گرفت، میزان ارتباط با عناصر مختلف شبکه روابط اجتماعی (گزینه‌های ذکر شده در بالا)، بود. به عبارت دیگر از هر پاسخگو خواسته شد تا مشخص نماید که در طی یک سال چند بار ممکن است این افراد را ملاقات کند. به نظر می‌رسد که این شاخص می‌تواند به شناخت اهمیت و معناداری این روابط در زندگی جاری فرد، یاری رساند. میزان هریک از اولویت‌های ارتباط خانوادگی، از هر روز و هفته‌ای چندبار شروع شده و به چند سال یکبار ختم می‌شود. معمولاً روابط در سطح «خیلی زیاد»، با

16 - در این مورد ر.ک. به پیوست 1 جدول 1

اعضای درجه 1 خانواده مثل پدر و مادر، شکل گرفته است.¹⁷ نکته جالب آن است که این روابط از گستره‌ای در حد هیچ و بسیار برخوردار است.¹⁸

میزان ملاقات با اولویت دوم در طی سال، نشان دهنده افزایش درصد افرادی است که نبود اولویت دوم را در شبکه روابط اجتماعی‌شان ذکر کرده‌اند. در این گزینه، میزان کسانی که افراد مورد نظر را زیاد و خیلی زیاد ملاقات می‌کنند به 29/2% از پاسخگویان کاهش پیدا کرده است. اگرچه علی‌رغم آن که هنوز نما در این طبقه است، اما شمار افرادی که در این طبقه قرار می‌گیرند، به‌طور چشم‌گیری کاهش پیدا کرده است.¹⁹ این روند در میزان ملاقات سومین اولویت نیز ملاحظه می‌شود.²⁰ در میزان ملاقات اولویت چهارم در طی سال، ضمن تداوم روند یاد شده، با کاهش روابط خانوادگی و افزایش روابط بیرون از خانواده، روبه‌رو می‌شویم.²¹ در صورت اعمال آزمون کای اسکوتر بر رابطه بین متغیر «تیپ‌های که زنان به آن متعلق هستند» و متغیرهای «تعداد ملاقات‌ها در طی سال با گروه‌های مختلف»، همان‌گونه که انتظار می‌رفت در مورد اولویت نخست و دوم، بین تیپ‌های مختلف تفاوت معناداری موجود نیست؛ ولی در مورد میزان ملاقات با گروه‌های مختلفی که در اولویت‌های سوم، چهارم و پنجم قرار دارند، و نیز تیپ‌های مختلفی که زنان پاسخگو به آن متعلق هستند، تفاوت معنادار مشاهده می‌شود.

جدول 4 - مقایسه میزان کای اسکوتر بین متغیرهای میزان ملاقات با

اولویت سوم، چهارم و پنجم و تیپ زنان

اولویت ملاقات	کای اسکوتر	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
ملاقات با اولویت سوم	99/081	78	0/05
ملاقات با اولویت چهارم	84/123	54	0/005
ملاقات با اولویت پنجم	75/339	39	0/029

17 - در این مورد ر.ک. پیوست 1 جدول 3

18 - در این باره ر.ک. پیوست 1 جدول 2

19 - در این مورد ر.ک. جدول 2 در پیوست 1

20 - در این مورد 23/5% پاسخگویان فاقد این ارتباط در شبکه روابط اجتماعی خانوادگی هستند. تقریباً 75% نمونه، این رابطه

را در شبکه روابط خانوادگی خود دارا هستند، اما میزان رابطه «زیاد» و «خیلی زیاد» روند کاهش شدیدی را نشان می‌دهد.

21 - در این مورد شاهد کاهش در میزان ملاقات‌های زیاد و بسیار زیاد هستیم. درباره میزان ملاقات‌های اولویت چهارم افزایش

میزان «عدم ارتباط» تا حد 36/2% پاسخگویان، که بیش از چارک اول است، دیده می‌شود. این روند در خلال گزینه‌های بعدی

ادامه یافته و در اولویت نهم و دهم، رابطه کم‌رنگ و بی‌معنی بوده و می‌توان به جرأت اظهار داشت که این تعداد رابطه وجود ندارد.

داده‌های جدول 4 حاکی از آن است که گستره روابط بانوان در تیپ‌های مختلف باهم متفاوت است. از این رو در دو گزینه اول که بیشتر در کنترل عرصه خصوصی و خانوادگی است، در تیپ‌های مختلف، رفتار یکسانی مشاهده شد؛ ولی از زمانی که از روابط خانوادگی صرف، فاصله می‌گیریم و اشکال روابط با دوستان و همکاران وارد مجموعه روابط می‌شود، این رفتار و حضور آن در بین تیپ‌های مختلف تفاوت معنی‌داری را به نمایش می‌گذارد. کاهش شدید ملاقات‌های در طول سال با اولویت‌های بعدی، حکایت از آن دارد که گستره روابط زنان شهری در تیپ‌های مختلف، معمولاً از حداکثر 5 نوع رابطه فراتر نمی‌رود.

2- شبکه روابط شخصی زنان (غیرخانوادگی)

تاکنون ملاحظه شد که گستره برخی از روابط در میان تیپ‌های مختلف زنان، متفاوت است. از سوی دیگر، به این نتیجه رسیدیم که از نظر شبکه روابط خانوادگی، تفاوتی در میان تیپ‌های مختلف وجود ندارد و بیشتر بانوان در «اولویت‌های اول و دوم روابط خانوادگی» با اعضای درجه یک خانواده خود و همسرشان مرتبط هستند و پس از این دو رابطه است که تنوع روابط باتوجه به تیبی که به آن متعلقند، ظاهر می‌شود. ضمناً به نظر می‌رسد که روابطی واقعی در شبکه روابط خانوادگی این بانوان، حداکثر دارای گستره‌ای در حد پنج رابطه است.

پرسش مهم این است که آیا روابط اجتماعی این بانوان، تنها به شکل روابط خانوادگی است، یا خود مستقلاً نیز روابط اجتماعی‌ای را برقرار نموده و تداوم بخشیده‌اند؟ در صورتی که پاسخ آری باشد، آیا بافت اصلی این دو مجموعه روابط با هم تفاوتی دارد یا خیر؟ در بررسی روابط شخصی بانوان، مشاهده می‌شود که حدود 5% از پاسخگویان، هیچ‌گونه روابط شخصی بدون حضور همسرشان نداشتند و اعلام کردند همه‌جا در معیت و همراهی همسرشان، حضور دارند.

جدول‌های زیر باتوجه به شاخص‌های ناهمسانی حکایت از آن دارند که به روشنی در گستره روابط شخصی زنان، در میان تیپ‌های مختلف تفاوت وجود دارد. این امر در محاسبه کای اسکوئر در میان چهار تیپ و نیز محاسبات انجام شده برای مقایسه زوجی تیپ‌ها، مجدداً قابل مشاهده است.

جدول 5 - توزیع درصدی تعداد رفت و آمدهای شخصی پاسخگو در تیپهای مختلف - مبنا: دارای تحصیلات دانشگاهی و شاغل

اختلاف درصدی						4	3	2	1	تیپ تعداد رفت و آمد
4و3	4و2	3و2	4و1	3و1	2و1					
6/3	2/1	-4/2	7/6	1/3	5/5	13/6	7/3	11/5	6	1 رابطه
-3/7	14/2	17/9	11/3	15	-2/9	30/6	34/3	16/4	19/3	2 رابطه
12/8	4/4	-3/5	12/8	0	8/4	35/5	22/7	31/1	22/7	3 رابطه
-8/5	-12	-3/5	-8/5	0	3/5	14/2	22/7	26/2	22/7	4 رابطه
0	-5/5	-5/5	-5	-5	0/5	6	6	11/5	11	5 رابطه
-2/7	-1/6	1/1	-10	-7/3	-8/4	0	2/7	1/6	10	6 رابطه
-4/3	-1/6	2/7	-8/3	-4	-6/7	0	4/3	1/6	8/3	7 رابطه
-	-	-	-	-	-	61	60	61	60	جمع

جدول 5-1 مقایسه شاخص ناهمسانی در بین تیپهای مختلف باتوجه به گستره روابط اجتماعی شخصی بانوان

4و3	4و2	3و2	4و1	3و1	2و1	تیپهای مورد مقایسه
19/15	20/7	19/2	31/75	16/33	17/95	شاخص ناهمسانی

جدول 5-2 مقایسه کای اسکوتر بین تیپهای مختلف باتوجه به گستره روابط شخصی بانوان

سطح معناداری	درجه آزادی	کای اسکوتر	تیپهای مورد مقایسه
0/009	21	39/362	هر چهار تیپ
0/05	6	15/91	2و1
0/1	6	10/73	3و1
0/01	6	25/87	4و1
0/06	6	12/225	3و2
0/05	6	13/19	4و2
0/02	6	15/86	4و3

نکته مهم در این زمینه، تفاوت مشخصی است که در گستره روابط زنان شاغل و غیرشاغل قابل مشاهده است و به این ترتیب تأثیر شغل به مثابه یک عنصر بسیار مهم در شکل‌گیری گستره و محتوای روابط اجتماعی زنان قابل توجه است.

جدول 5 نشان می‌دهد تیبی که دارای بیشترین فراوانی در یک رابطه است، به‌طور مساوی شامل زنان تحصیلکرده فاقد شغل و شاغل فاقد تحصیلات است. در این مورد کمترین گزینه به زنان شاغل و تحصیل کرده اختصاص دارد که کمتر از نصف میزان دو تیب یاد شده را نشان می‌دهد. در «2 رابطه» تیبی که بیشترین درصد را به خود اختصاص داده است، زنان شاغل فاقد تحصیلات‌اند و پس از آن به ترتیب زنان فاقد شغل و تحصیلات، تحصیلکرده شاغل و تحصیلکرده غیرشاغل، قرار می‌گیرند.

در افرادی که 3 و 4 رابطه را به‌طور شخصی معرفی کرده‌اند، بیشترین درصد به تیب «فاقد تحصیلات و غیرشاغل» اختصاص دارد و پس از آن به ترتیب زنان «تحصیلکرده غیرشاغل»، و به‌طور همسان زنان تحصیلکرده شاغل و شاغل فاقد تحصیلات قرار می‌گیرند اما در «5 رابطه» به‌طور ناگهانی شاهد افت روابط زنان فاقد تحصیلات شاغل و غیرشاغل هستیم. فاصله میان زنان تحصیلکرده غیرشاغل و شاغل اندک؛ اما تفوق با زنان تحصیلکرده غیرشاغل است. جالب آن است که در رده‌های «6» و «7 رابطه»، تیب زنان تحصیلکرده شاغل برتری کاملی را نشان می‌دهد.

میزان روابط زنان فاقد تحصیلات و شغل، از گزینه «4 رابطه» به بعد، افت شدیدی را نشان می‌دهد البته این روند کاهشی در هر چهار تیب مشاهده می‌شود؛ اما کمترین میزان افت به زنان شاغل تحصیلکرده و بیشترین میزان افت، به زنان تحصیلکرده فاقد شغل اختصاص دارد. تفاوت چندانی در دو تیب شاغل فاقد تحصیلات و فاقد تحصیلات و شغل، دیده نمی‌شود. با نگاه مجدد به جدول شماره 1، ملاحظه می‌کنیم که زنان فاقد شغل و تحصیلات بیشترین تمایل را در برقراری ارتباط و رفت و آمد با دیگران داشتند و ظاهراً زنان تحصیلکرده و شاغل با ورود به دنیای کار و تحصیل، تمایل چندانی به دسترسی به روابط اجتماعی بیشتری ندارند.

برای شناخت بافت روابط زنان و میزان ارتباط آن با دنیای بیرون از چارچوب خانوادگی، باید به شناسایی مجموعه کسانی که پاسخگویان با آنان در سطح شخصی رابطه داشتند، دست یازیم و رابطه تیب‌های مختلف زنان را با شکل‌بندی شبکه روابط شخصی آنان

شناسایی کنیم. بررسی پراکنش فراوانی نظرهای مختلف دربارهٔ نخستین اولویت رفت و آمد شخصی پاسخگویان، حاکی از آن است که معادل 68/7% از پاسخگویان، نخستین اولویت رفت و آمد شخصی‌شان شامل افراد خانواده پدری خودشان می‌شود. این طبقه نما و میانه را در بر می‌گیرد و نشان دهندهٔ تفوق روابط خانوادگی، حتی در روابط شخصی بانوان است. این امر را احتمالاً می‌توان به قوت و تسلط عرصهٔ خصوصی و روابط مبتنی بر آن، در زندگی زنان شهری ایرانی، مربوط دانست. میزان 4/9% از پاسخگویان اعلام کرده‌اند که هیچ‌گونه رابطهٔ شخصی و مستقل از خانواده، ندارند. اولویت نخست رفت و آمد شخصی در همهٔ تیپ‌ها، همچنان روابط خانوادگی است.²² در دومین اولویت روابط شخصی نیز خانواده همچنان اهمیت خود را حفظ کرده است. به نظر می‌رسد که در واقع روابط شخصی در بخش بزرگی از روابط اجتماعی زنان شهری وجود ندارد.²³ نکتهٔ مهم آن است که در این اولویت تعداد افرادی که گفته‌اند که ارتباط دوم را ندارند، 14/8% از پاسخگویان را دربر می‌گیرند. در این مورد همچنین شاهد افزایش سهم دوستان، از طیف‌های مختلف، در ارتباط شخصی فرد هستیم.

باتوجه به این که اجرای کای اسکوتر نشان دهندهٔ تفاوت معنی‌دار در رفتار تیپ‌های مختلف در دومین انتخاب در روابط شخصی آن‌ها است،²⁴ می‌توان اظهار داشت که این امر حاکی از ظهور ارتباطات شخصی در خارج از چارچوب روابط خانوادگی، است. نکته قابل توجه در مورد این متغیر، ظهور گزینهٔ فعالیت‌های داوطلبانه و روابط مربوط به آن است. مهمتر آن که دو تیپ اصلی‌ای که در این فعالیت‌ها درگیر بودند، غیرشاغلین را شامل می‌شود. زنان شاغل اما فاقد تحصیلات دانشگاهی بیشترین تعداد را در دارندگان سه رابطه در فهرست روابط شخصی، نشان می‌دهند.²⁵ داده‌ها حاکی از نبود بیش از سه عنوان رابطه در مجموعه روابط شخصی بانوان است. باتوجه به این که دو رابطهٔ نخست همچنان از جنس روابط

22 - حدود 11% از پاسخگویان نیز، از دوستان خود، به عنوان اولویت اول یاد کرده‌اند.

23 - در این گزینه حدود 48/1% از پاسخگویان دومین گزینهٔ ارتباط شخصی خود را، «خانواده همسر» معرفی کرده‌اند.

24 - اجرای این آزمون ارزشی معادل 81/491 با درجه آزادی 51 و $\text{Sig} = 0.004$ ، تولید نموده است.

25 - دربارهٔ «سومین اولویت رفت و آمد شخصی»، دیده شد که 41/6% از پاسخگویان در مجموعه ارتباطات شخصی خود، رابطه سومی ندارند. بیست و هشت درصد (28%) از این افراد، زنان شاغل و تحصیلکرده بودند و بیش از 49% به زنان فاقد تحصیلات و شغل اختصاص داشت. زنان تحصیلکرده غیرشاغل تقریباً 43%، و زنان شاغل فاقد تحصیلات تقریباً 47% از کل این گزینه را می‌پوشاندند. اجرای کای اسکوتر در مورد رابطه بین «انتخاب اولویت سوم» و «تیپی که زن به آن متعلق است»، معادل 95/043 با درجه آزادی 45 و $\text{Sig} = 0.000$ است.

خانوادگی بود، می‌توان اظهار داشت که بخش خاصی از بانوان شهری فقط یک رابطه شخصی در مجموعه روابط اجتماعی خود دارند.²⁶

باتوجه به همه عناصر به‌دست آمده، همچنان روابط اصلی زن ایرانی پیرامون عرصه خصوصی یا خانه و پیرامون روابط خانوادگی وی شکل می‌گیرند. اما گذشته از این روابط که در نزد اکثریت قریب به اتفاق بانوان، مشترک است، با ورود دو عنصر تحصیلات و اشتغال، روابط جدیدتری شکل می‌گیرند. این روابط معمولاً نقش کمتری در اولویت‌های اول و دوم شبکه روابط خانوادگی و شخصی فرد دارند. البته امکان حضور برخی از بانوان در فعالیت‌های اجتماعی و داوطلبانه نیز، خود را در عرصه روابط شخصی به نمایش می‌گذارد. این روابط در مجموعه روابط خانوادگی مشاهده نشد و به روابط شخصی زن تعلق دارد.

نتیجه‌گیری

با اتکا به داده‌های این پژوهش، می‌توان اظهار داشت که ضمن حفظ اهمیت نقش عناصر خانوادگی و عرصه خصوصی در شکل‌دهی به روابط اجتماعی زنان متأهل شهری، شاهد ظهور عناصر جدیدی در مجموعه روابط اجتماعی آنان هستیم. دو عنصر اشتغال و تحصیلات در شکل‌بندی شبکه روابط اجتماعی زنان شهری، ایفای نقش می‌کند. نتایج حاکی از آن است که تحصیلات دانشگاهی فرصت دستیابی به سطح متنوعی از روابط اجتماعی را برای زنان شهری فراهم می‌آورد و اشتغال این روابط را پایدار می‌کند. در شرایط سنتی، زن ایرانی در محدوده روابط خانوادگی خود زندگی می‌کرد و روابط اجتماعی وی نوعاً از جنس روابط خویشاوندی بود. اما با دسترسی به دو عنصر تحصیلات دانشگاهی و اشتغال، شاهد ظهور عناصر نقشی در شبکه روابط اجتماعی این بانوان هستیم. روابط عاطفی نیز از جمله روابط جدیدتری است که دو عنصر یاد شده برای زنان فراهم کرده است.

نکته مهم آن است که دسترسی زنان به دو عنصر نو تحصیلات دانشگاهی و اشتغال در خارج از خانه، نتوانسته است از وزن عناصر سنتی خویشاوندی به‌طور جدی بکاهد. به عبارت دیگر، همچنان در روابطی که فرد به همراه خانواده خود برقرار می‌کند و همچنین روابطی که شخصاً و مستقل از خانواده خود تداوم می‌بخشد، روابط با اعضای خانواده و خویشاوندان - به ویژه خویشاوندان درجه اول - نوع مسلط را تشکیل می‌دهد. این رفتار به‌طور همسان در هر

26- در مورد اولویت چهارم و پنجم، به ترتیب حدود 68% و 85% از پاسخگویان اعلام کردند که این ارتباط را در شبکه روابطشان ندارند.

چهار گروه مشاهده شده و تفاوت معناداری در بین زنان شاغل و دارای تحصیلات دانشگاهی، دارای تحصیلات دانشگاهی، و فاقد شغل، فاقد شغل و تحصیلات و شاغل فاقد تحصیلات دانشگاهی وجود ندارد.

روابط نقشی به معنی رابطه با دوستان و همکاران، در گزینه‌های چهارم و پنجم در نزد زنان شاغل و تحصیلکرده قابل مشاهده است. زن ایرانی حدود 5 رابطه در مجموعه روابط شخصی و خانوادگی خود دارد. اما گستره این روابط در نزد زنان تحصیلکرده و شاغل بیش از بقیه آنان است. عناصری از قبیل روابط فکری و نقشی در نزد زنان تحصیلکرده و نیز زنان شاغل بیش از همه دیده می‌شود. بخشی از زنان شهری در مجموعه روابط خود دارای روابط شخصی هستند که معمولاً یک مورد را در بر می‌گیرد. به این ترتیب می‌توان اظهار داشت که داده‌های این پژوهش حاکی از آن است که شکل‌بندی شبکه روابط اجتماعی زنان شهری در ایران، نشان دهنده مشخصات ویژه‌ای است که هم از عناصر مدرن و هم از عناصر سنتی و با تسلط عناصر سنتی، بهره برده است.

پیوست²⁷

جدول 1 - فراوانی درصد گزینه‌های رفت و آمد برای اولویت اول در ارتباطات خانوادگی

درصد	تعداد	گزینه‌های ارتباطی
1/6	4	بی پاسخ
83/7	204	اعضای خانواده پدری پاسخگو
1/2	3	فامیل درجه دو پاسخگو
18/6	45	فامیل درجه یک همسر پاسخگو
2/4	6	دوستان پاسخگو
1/2	3	دوستان همسر پاسخگو
0/4	1	همسایه‌ها
1/2	3	سایر
110/3	269	جمع ²⁸

27- توضیحات مربوط به این سری از جدول‌ها در متن درج شده است. جدول‌های پیوست به منظور اجتناب از اطباب کلام از متن اصلی خارج شده است.

28- برخی از پاسخگویان بیش از یک ارتباط را در این اولویت، انتخاب کرده‌اند، از این رو جمع بیش از 100 است.

جدول 2 - درصد فراوانی ملاقات با اولویت اول در طی سال

درصد	تعداد	دفعات ملاقات اولویت اول در طی سال
9/5	23	بی پاسخ
1/6	4	1 - 2 بار در سال
5/8	14	3 - 5 بار در سال
3/7	9	7 - 10 بار در سال
7/8	19	12 - 15 بار در سال
%5/1	16	20 - 40 بار در سال
%63/8	155	زیاد و خیلی زیاد
1/2	3	خیلی کم و در حد امکان
100	243	جمع

جدول 3 - درصد فراوانی ملاقات با اولویت دوم در سال

درصد معتبر	تعداد	دفعات ملاقات اولویت اول در طی سال
12/8	31	ملاقات نمی کنم
12	29	1 - 2 بار در سال
8/3	20	3 - 5 بار در سال
5/3	13	7 - 10 بار در سال
15/6	38	12 - 15 بار در سال
8/6	21	20 - 40 بار در سال
29/2	71	زیاد و خیلی زیاد
4/1	10	خیلی کم و در حد امکان
100	243	جمع

منابع

- آیت‌الله جوادی آملی، عبدالله. 1378. *زن در آئینه جلال و جمال*. قم: مرکز نشر اسراء.
- اکبری، محمدعلی. 1382. *دولت و فرهنگ در ایران*. تهران: مؤسسه انتشارات روزنامه ایران.
- بروگش، هاینریش. 1367. *سفری به دربار سلطان صاحبقران*. ترجمه کردیچه. چاپ اول. تهران: انتشارات اطلاعات.
- پولاک، یاکوب ادوارد. 1368. *سفرنامه پولاک*. ترجمه کیکاوس جهاننداری. چاپ دوم. تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- پهلوان، چنگیز. 1382. *ریشه‌های تجدد*. تهران: نشر قطره.
- پهلوی، اشرف. 1381. *دو چهره در آئینه*. ترجمه حسین ابوترابیان. چاپ اول. تهران: انتشارات حکایت.
- پهلوی، محمدرضا. 1381. *پاسخ به تاریخ*. ترجمه حسین ابوترابیان. چاپ هشتم. تهران: زریاب.
- پیرانی، احمد. 1383. *زنان پهلوی*. چاپ اول. تهران: انتشارات به آفرین.
- ترابی فارسانی، سهیلا. 1378. *اسنادی از مدارس دختران از مشروطه تا پهلوی*. تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران.
- حسن بیگی، م. 1366. *تهران قدیم*. تهران: ققنوس.
- دواس، دی‌ای. 1376. *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*. چاپ اول. تهران: نشر نی.
- رابرتسون، رونالد. 1380. *جهانی شدن، تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی*. ترجمه کمال پولادین. چاپ اول. تهران: نشر ثالث.
- روباتام، شیلا. 1385. *زنان در تکاپو فمینیسم و کنش اجتماعی*. ترجمه حشمت‌اله صباغی. چاپ اول. تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
- سرابی، حسن و علیرضا نژاد، سهیلا. 1385. "زن شهری و تغییر در شکل‌بندی شبکه روابط اجتماعی از منظر جنسیتی". *پژوهش‌نامه علوم اجتماعی گرمسار*. سال اول. شماره اول.
- سرنا، کارلا. 1362. *آدم‌ها و آئین‌ها در ایران*. ترجمه علی اصغر سعیدی. چاپ اول. تهران: کتابفروشی زوار.
- شل، مری. 1368. *خاطرات لیدی شل*. ترجمه حسین ابوترابیان. تهران: نشر نو.

طبرانی، بهروز. 1376. اسناد احزاب سیاسی ایران 1330 - 1320 شمسی. جلد اول و دوم. تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران.

علیرضانژاد، سهیلا و سرایی، حسن. 1386. "زن در عرصه عمومی: مطالعه‌ای در مورد فضاهای عمومی در دسترس زنان شهری و تغییرات آن". نامه علوم اجتماعی. شماره پیاپی 30.

کاستلز، امانوئل. 1380. عصر اطلاعات، پایان هزاره. ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز. چاپ دوم. تهران: سازمان چاپ و انتشار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

_____ 1380. عصر اطلاعات، ظهور جامعه شبکه‌ای. ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز. چاپ دوم. تهران: سازمان چاپ و انتشار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

_____ عصر اطلاعات، قدرت هویت. ترجمه حسن چاووشیان. تهران: سازمان چاپ و انتشار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

کسروی تبریزی، احمد. 1376. تاریخ مشروطه ایران. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

لوئیس، برنارد. 1381. خاورمیانه دو هزار سال تاریخ از ظهور مسیحیت تا امروز. ترجمه حسن کامشاد. چاپ اول. تهران: نشر نی.

_____ 1335. سرشماری عمومی نفوس و مسکن 1335. تهران: انتشارات مرکز آمار ایران.

_____ 1345. سرشماری عمومی نفوس و مسکن 1345. تهران: انتشارات مرکز آمار ایران.

_____ 1355. سرشماری عمومی نفوس و مسکن 1355. تهران: انتشارات مرکز آمار ایران.

_____ 1365. سرشماری عمومی نفوس و مسکن 1365. تهران: انتشارات مرکز آمار ایران.

_____ 1375. سرشماری عمومی نفوس و مسکن 1375. تهران: انتشارات مرکز آمار ایران.

_____ 1382. تازه‌های آمار. تهران: انتشارات مرکز آمار ایران.

_____ 1383. آمارگیری از ویژگی‌های اشتغال و بیکاری خانوار. تهران: انتشارات مرکز آمار ایران.

هانتینگتون، ساموئل پی. 1378. برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی. ترجمه رفیعی و محمد علی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

یزدانی، مرضیه. 1378. "تأسیس دارالمعلمات (دانشسرای دختران) و تحصیلات بانوان". گنجینه اسناد. سال نهم. دفتر سوم و چهارم. شماره‌های پیاپی 35 و 36.

Baker, Therese L. 1999. *Doing Social Research* (3rd edition). California, San Marcos: McGraw Hill.

- Bridge, Gary. 2002. The Neighborhood and Social Networks. *CNR Paper 4*. <http://www.neighbourhoodcentre.org.uk>.
- Bryan, Laura. 2001. "The role of network support and interference in women's perception of romantic, friendly, and parental relationships (Statistical Data Included)". *Sex Roles, a Journal of Research*.
- Creswell, John W. 1994. *Research Design: Qualitative & Quantitative Approaches*. California: Sage Publication.
- Fitzgerald, Tony. 2002. Globalization and Ronald Robertson. [http:// www. Web sticky\ Sociology Online Ronald Robertson.htm](http://www.WebstickylSociologyOnlineRonaldRobertson.htm).
- Landes, Joan B. 1998. *Feminism, the Public and Private*. New York: Oxford University Press.
- Mitchel J.C. 1999. *Social Networks in Urban Situations: Analyses of Personal Relationships in central African Towns*. Manchester: Manchester University Press.
- Munson, Elizabeth. 2002. "Walking on the Periphery: gender and the discourse of modernization (the rights of women in early 20th century Spain)". *Journal of Social History*. Fall, 2002.
- Robertson, Ronald. 1994. "Globalization or Glocalisation". *A Journal of Communication*. vol1. number 1.
- _____. 2002. Comments on the "Global Trial" and "Globalization". [http://www.commentsontheglobaltrialandglocalization\(RonaldROBERTSON\)](http://www.commentsontheglobaltrialandglocalization(RonaldROBERTSON)).
- Sanasarian, Eliz. 1982. *The Womens' Rights Movement in Iran: Mutiny, Appeasement and Repression form 1900 to Khomeini*. USA: Praeger Publishers.
- Siasei, Shahrzad. 1996. *Islam's Appeal to Women: The Rise of Islamic Fundamentalism CH. 2*. [http:// www /Islam's appeal for women.htm](http://www/Islam'sappealforwomen.htm).
- [unknown]. 2002. Antony Giddens on Globalization. [http:// www.Webstickyl Sociology Online Anthony Giddens on Globalization.htm](http://www.WebstickylSociologyOnlineAnthonyGiddensonGlobalization.htm).
- _____. 2004. What is Social Network Analysis? Website Fruit.net, [http://www.findarticles. Com/p/articles/mi-mo254/is-4-58/ai-5s495762-](http://www.findarticles.Com/p/articles/mi-mo254/is-4-58/ai-5s495762-)